



سال اول - شماره ۲۹ - دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۵ ریال

اگر درست است که گوهی اصلی وین بست اصلی، امپریالیستها هستند، پسینا بر این اگر در این راه حرکت کنیم، هیچ اختلافی، جانی برای بروز نخواهد داشت.

برادر مجاهد مسعود رجوی  
۱۴/ اسفند ۵۷

## مراسم تشییع جنازه‌ی مجاهد شهید

### احد عزیز

عذر سادات مجاهد خلق احد عزیز در مراسم امام خمینی (که در حقیقت او اینست) در محفل صلواتان اردنیل مورداست گلونه‌ی ۳ فروردین (مردم) با اعدادان سعی می‌کردند ماچ حویلی حسودی و عجاوین و بدو معاصی او را درین سانسده که با اصرار و با صبر جانورانه شهید موافقت نمود بر انجام به هنگام است و معاصی حناری به سبب راه اعمال حناری اردیل سبب می‌گردد و بعد در آن راه را دانستند که ما مطلع شدیم خانواده را در وی و جلوگیری عمل می‌آید و در عملی

بدر طالبانی و امام حسی و مکتب شهیدو چند جلد کل در وسط جمع کسندگان فرار گرفت، سانس مردم خانواده‌ی شهید حرکت می‌کردند حضرت ترک‌کننده سانس از بازده هزار فریاد برآید با فریادهای الله‌اکبر و لا اله الا الله و با عجزهای حد ایرانیکی ادامه یافت حدود ساعت ۱۲:۳۰ سانس کسندگان به فرسودگی رسیده و در سانس چهار حرکت کردند در این سانس سببای سانسگذاران و سانس

## نامه‌ی سرگشاده‌ی استاد علی تهرانی به آیت‌الله خزعلی

بسمه تعالی  
امروز پیاده شده‌ی بنوار سخنرانی اخیر شما در مشهد را برای من آوردند و مطالعه کردم و چون در چند مورد به من تهمت زده و نسبت خلاف واقع دادند و نیز مطالبی در آن بود که احتمال دادم خدای ناگردد منجر به خونریزی‌ها و درگیری‌های خلاف مشروع گردد. اقدام به نوشتن این نامه نمودم و چون مطالب آن در این تهمیت در نهایت ضرورت دارد که به همه ملت شریف و مسلمان ایران برسد، رسالت دارم تمام جرائد کشور بی‌هیچ استثنائی آنرا نشر دهند. تا کفایت "جرا سانسین راکه در برد من و شما و خدا کافرند..."

## پاسخ مجدد مجاهدین خلق به صدا و سیمای جمهوری اسلامی

وجود دارد که در صورتی که در صدا و سیمای جمهوری اسلامی...

رادیو تلویزیون و به خصوص صدای جمهوری اسلامی در ادامه برنامه‌های مفرضاتی خود در باره‌ی سازمان مجاهدین خلق ایران که اساس بر ضد این سازمان تهیه و تنظیم می‌شود در سالگرد شهادت بنیادگذاران سازمان و ظاهرًا تحت عنوان تحلیل از این شهید اکاذیب و ایجابی بهم بافته و برنامه‌های جور کرد که مورد اعتراض سازمان مجاهدین خلق و مورد انزجار عمومی قرار گرفت. سازمان مجاهدین ضمن اعتراض به این برنامه نقضاتی فرصتی برای پاسخگویی نموده و برادر مجاهد مسعود رجوی را نیز جهت پاسخگویی معرفی نمود.

مجاهدین خلق ضمن تعام با مقامات مسئول رادیو تلویزیون و نیز در نشریه‌ی مجاهد یکشنبه ۱۱ خرداد تقاضا کردند که وضعیت این اطلاعات و صحت و سقم آن روشن شده و مسئولان یا مسئولین آن معین گردند.

روز یکشنبه ۱۱ خرداد اطلاعاتی از طرف روابط عمومی صدا و سیمای جمهوری اسلامی منتشر شده که ضمن آن با اشاره به انتشار برخی مطالب در رابطه با صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در حوزة با معانی مقامات غیرمجاز اعلام شده که کلیه‌ی اطلاعاتی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به امضای روابط عمومی منتشر می‌شود و این سازمان مسئول اطلاعاتی است که به امضای غیر از روابط عمومی منتشر شود نخواهد بود. و مبنی بر اینکه گفته شده "در صورت لزوم، سازمان علیه جریده‌ای که به انتشار اینگونه اطلاعات اقدام نماید، اعلام جرم خواهد کرد" (اطلاعه‌ی مذکور در صفحه‌ی ۲ روزنامه‌ی جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۱ خرداد درج شده).

اینکه ما نمی‌دانیم که بالاخره موضوع از چه قرار است؟ آیا اطلاعاتی مورد بحث که از طرف صدای جمهوری اسلامی صادر شده و مجاهدین را در بحث آزاد آید تلویزیون دعوت کرده از نظر مقامات مسئول رادیو تلویزیون در روابط عمومی صدا و سیمای جمهوری اسلامی معتبر است یا نه؟ و اگر معتبر نیست به چه مجوزی مرثا در برنامه‌های رادیو تکرار می‌شود؟ و یا اینکه در رادیو تلویزیون هم قدرتی در درون قدرت وجود دارد و هر کسی کار خودش را می‌کند؟

بهر حال معلوم نیست که در صدا و سیمای جمهوری اسلامی چه خبر است! اما لازم است در جواب صادرکنندگان باشناس اطلاعاتی صدای جمهوری اسلامی ضمن تاکید مجدد بر سندرجات مقاله‌ی مجاهد ۱۱ خرداد یادآوری کنیم که:

اولا اگر شما راست می‌گویید و صداقت دارید باید پیش از هر چیزی حق پاسخگویی ما را محترم شمرده و به ما فرصت بدهید تا به دعاوی باطل و تحلیلهای مفرضاتی شما پاسخ داده و اذعان عمومی را که شما به مشغول و مشوب کردن آن اصرار دارید نسبت به خودمان روشن کنیم.

ثانیا در رابطه با به اصطلاح "بحث آزاد آید تلویزیون" باید به عرضتان برسانیم که ما هیچ آید و برپه‌ی از بحث آید تلویزیون نداریم و هیچ نقطه‌ضعفی هم برای خود (همچنانکه هیچ نقطه‌ضعفی برای مثال شما) در این زمینه نمی‌شناسیم به شرط اینکه چنین کاری با انگیزه‌ی سالم و در جو و فضای سالم صورت پذیرد که شما از آن سباز دورید. و باز بد نیست بیاد بیاورید زمانی که برخی از شما آقایان مشغول موش و گریه بازیهای ضدبهنائی بودید مجاهدین خلق ضمن سازمان دادن یک حرکت انقلابی مکتبی بر ضد رژیم شاه مشغول تحقیقات و مباحثات آید تلویزیون و تدوین آید تلویزیون بودند. تا اسلام را در محتوی و شکل انقلابی و اصل آن به سلسله‌ها و تشنه و روشن (و البته فراری از هرچه دین و اسلام است) ارائه داده و آن را مجددا وارد تاریخ کنید. در آن زمان گوشه‌های شما حتی به بسیاری از

## بای صحبت فرزندان رنج و کار کوخ نشینان کاخ ساز

در تاریک روشنی‌های خور آن هنگام که ساری در خواب آسیر می‌برد و حجابهای سپر سرما آسوسهائی را شاهد است که کارگران را به کارخانه‌ها می‌برد. در همان هنگام مردان دیگری سر همد که در اطراف سانس در سال مرکز و جنوب شهر جمع می‌شوند. به این امید که کسی صدا شود و سروی کار موب بارو و خلاصه حساب آنها را آن چند نوبتی خیزد و آنها را سر کاری برد.

## گوشه‌ای از دردها و مشکلات روستائیان بم

بم، خونسین و بدون زمین همد، پهن و آبادترین روستاها در اختیار مالکین غنچه قرار دارد. در این روستا مینی فعل دهقانان خون رمن صمیم گرفتند. چند هکتار از رمن‌های فتوالی به نام موسی خان را که سال‌ها بایر آماده بود، بکت کنند. سیر بکت رمن، موسی خان آب را به روی کتاووران بست، در سبجه محصولات اهالی در معرض حیک شدن قرار گرفت. کتاووران برای جلوگیری از این کار ضد آسای ارات، بارها به مقامات مسئول، از حفته دادگاه اعلاب، مراجعه و بکایت کردند اما سبجای غابدان بست، تالارچه‌ی آن آ که بست

حوظلی را مرکوب می‌کنند در همان حال مابورس اسطاسی هم بعضا در دفاع از مابورس اراتها، دهقانان رجمکن را دستگیری می‌کنند و عناصر مبرع در بعضی ارگان‌های مسئول سر علیه دهقانان و به مع اراتها، حکم صادر می‌کنند که چون شما دهقانان رمن ارات را عصب کرده‌اید، به دستور "اسلام" باید سبج شوند و با

ما می‌توانیم با کسانی که ما را می‌کشند کتاووران به حفرشان هستند، بارززه کنیم، سبجها را رمن‌ها را و بر ما بداران که در دستگاه دولت...

مترودالهایی که سالتاست دار و آجبه فعل از هر چیز حلت نظر می‌کند فقر و رخ روستائیان رجمکن و ظلم و ستم و حشانه‌ی اراتها و مترودالها است. روستائیان و روستائیان با برهنه‌ها جبهه‌های آفتاب سوخته، حمل سالتان حال رخ، فقر و استنار را خبر می‌دهند. پای صحبت دهقانان که می‌سنس، می‌سنس، از دست اراتها و

## کامپیوتر و مسئله‌ی وابستگی به امپریالیسم

در دو قسمت گذشته‌ی این بحث مطالبی را پیرامون نظرگاه‌های مختلف توسعه‌ی اقتصادی و مسئله‌ی کامپیوتر و خدمات ماشینی به متاهلی نمودی از وابستگی به امپریالیسم نیز عملکرد شرکت‌های کامپیوتری منجمله شرکت‌های بی.ام. از نظر شما گذراندیم. سبسی به بررسی حرکت - های صنعتی- سیاسی کارگران این بخش پرداختیم. و اینکه در سوبین قسمت این بحث به بررسی راهبهای قطع وابستگی می‌پردازیم.

سر تلیک شد. هنگامی که ما بیرون رمنه و به بالای سر او رسیدیم، دیدیم که کسی نیست و رما شهید شده‌است، و حدود ۷ الی ۱۰ سبیره بدن او اوصاف کرده‌است. در سوال دوم از پدر رضا خواستیم تا شرح اقداماتی را که برای شخصی کردن قاتل یا قاتلین و دستگیری آنها انجام داده است برای ما بازگو کند. او در پاسخ این سوال گفت: "تا بحال به ادارات مختلف نامه نوشته‌ام که مسئله را پیگیری کنند، ولی هنوز قصبه را پیگیری کرده‌اند. خود ما به چند نفر مابورس بودیم، دادگاه برای آنها قرار صادر کرد، ولی با شهید شوری بقیه‌ی صفحه ۳

## مصاحبه با خانواده‌ی شهید رضا حامدی

هما نظر کرد که مجاهد شماره‌ی ۷۵ کتب بودیم، فعل از فراموشی جملیم روز شهادت مجاهد شهید رضاحمدی. در منزل رضائی‌های شهید، پس از پایان ملاقات برادر مجاهد مسعود رجوی با خانواده‌ی شهید حامدی، مصاحبه‌ای انجام دادیم. در این شماره، قسمت‌هایی از این مصاحبه، از نظرتان می‌گذرد.

اولین سوال ما از پدر رضای شهید در مورد شرح حادثه‌ی بود که منجر به شهادت رضا شد. وی در جواب این سوال به طور مختصری چنین گفت: در شب ۲۳ فروردین ساعت ۱۰:۵۵ شب در منزل خواهر شهید بودیم، که ناگهان صدای رگبار مسلسل آمد، حدود ۵۰ عدد

و چه و با مادر و پدر پیری نداشته باشد. که در آن صورت باید به نان خالی اکتفا کرده و با از صحابه به امید سهار صبرنظر کند. تا از این طریق سهمی هم برای آنها کنار بگذارد.

در حین کار از کترین امکانات "ایمی" برخوردارند. و اگر اتفاقی برای آنها بیفتد خانه نشینی و مرگ تدریجی سرنوشت محتوم آنهاست.

هیچگونه امنیت و تضمین تغذیه ندارند. علوم نیست این کار که تمام شد. چند وقت باید بیکار ماند تا دوباره کاری پیدا کند. در مواردی حتی ۲۰ روز از ماه را هم بیکارند. و در چنین وضعیتی بایستی به اصطلاح از کیمیه خود بخورند.

اکثرا از روستاها آمده و دارای رشتی روستایی اند. فصلی بودن کار آنها. مضافاً بر آوارگی (نداشتن مکان ثابت برای زندگی) و همجنس برانگیزی وسیع در سطح شهر مانع هرگونه تماس و تشکیل صغی آنهاست.

همس عدم شکل باعث شده که مورد ستم و احقافات گوناگون قرار بگیرند (از توهین و ناسزا گرفته تا شدیدترین ستم طغفانی).

اکثر این مردان که در میان آنها نوجوانان ۱۳ - ۱۴ ساله را هم می بینیم. از روستاهای دور و نزدیک به شهر آمده اند. اینها زمانی بخش عظیمی از نیروی کار روستاها را تشکیل می دادند. اما اصلاحات ارضی! کدائی شاهانه. که هر سه روزی و بدجنسی هرچه بیشتر روستائیان از یک طرف و معود هرچه بیشتر "سرمایه" به اقصی نقاط روستاها از طرف دیگر. اثری نداشت باعث شد تا روستائیان روستا از همان حداقل سرفاظ رسی هم در روستا محروم شده. و ترک علائق و آب و خاک کرده و آوارگی شهرها شوند و دین سرتست. رکود و

بقیة صفحات اول

# پای صحبت فرزندان رنج و کار کوخ نشینان کاخ ساز

به امید آن روز. کلاسی سواد دارم. اما وضع زندگی ما طوری شد که عقب ماندیم. و من از ۱۲ سالگی از خانه بیرون آمدم سه دیان کار. اول رفته در شرکتی در ۶۰ کیلومتری کاشان. دو سال آنجا کار کردم با مزد روزی ۱۰ تومان که تا این اواخر ۲۵ تومان شد. بعد از آن چهار سال است که آمده ام تهران و کارهای سالی می کنم. و الان روزی ۸۰ - ۷۰ تومان می گیرم که باره ما این تمسهای گران کم

بقیة صفحات اول

# نامه‌ی سرگشاده‌ی استاد علی تهرانی به آیت الله خرنعلی

خلقها بگویند مترقی. بگویند این روحانی. به خلاف اکثریت روحانی های ما مترقی است. حرف ما را می فهمد و لذا بزرگش کنند و بعد جملهای گفتنی که معنائش اینستکه اینهم اسارت است چه هم اسارت. شکی نیست. خود می دانی اگر من در بند شهرت یا این حرفهایی که زدمای بودم. می باید با امثال شما همراهی می کردم. همین هفته قبل که جناب حاج آقا احمد تلفن کردند و خواستند محضر امام بوسم و من خدمت ایشان رفته ام. ابتدا با حاج آقا احمد گفتگو نمودم ایشان گفت دردها معلوم است باید علاج شود تو هم بیا یک گوشه کار بگیر. گفت مشکل در این است که امثال من باید مشغول ترویج و ارشاد باشیم و کارها باید به دست کاردانها که چرخ مملکت را به جریان در بیاورند و انسجام و نظام دهند و وحدت تصمیم گیری را بوجود آورند. این خدمت امام امت و امری است که امروز دارند با این کارهای بی رویه و رقابت های همکارانه. چهره‌ی اسلام عزیز را تاریک می کنند و آن را ظالم و سفاک معرفی می نمایند و گروه گروه جوانان بلکه بزرگسالان را از دین بیرون می رانند و بدست خود نیز اسلام (اگر بگذارند اسلامی باقی بماند) منهای روحانیت رابایده می نمایند.

شما با خطاب رمزی به من گفته - اید ای بدبختی که اسیر لفظ و کلامی و دنیا و آخرت خود را با چنین مزخرفات خوش کردی خدا را در نظر بیاور و متوجه گفتار خود باش. شما مرا از سالهای خیلی دور می شناسی و نیز سایر دوستان مرا خوب می شناسند که تا حال در بی اسم و با جاه یا مال نبودهام. این را اگر برای تحصیل اطمینان بیشتر خواهی از امام امت بپرس. خود می داند یقین دارم که با معاشرتی که با من داشتی شک نداری که تنها اسیر خدا و حفظ دین خدا هستم و بیسم با این گونه تهمت زدن که نسبت به غیر منم از شما سزوه بوده‌ی مستضعف را از دین بیرون می نمایند. خدا می داند دلم به حال شامی سوزد که با این فصل و سابقه. خود را مشغول عقوبت نسبت زدن می نطانی ای آقای سرفه را به خاطرهای می آورم "لا تقف ما لیس لك به علم ان السع والبصر والنفوس کل اولئک کان عدسوكلا"

جناب آقای نصرالله الهی چقدر ناراحت بودید و این معنی را مخالف با اسلام معرفی می کردید که من در یکی از روزها پیش از تشریف آوردن استاد در مسجد کوچی حرم با شما دو نفر درگیری بحثی شدیدی پیدا کردم و گفتیم شما مراعات شأن استاد - بان را نمی نمایند. ۲- یادتان هست که در یکی از ناسنانها که من در مشهد مشرف شده بودم و شما نیز و با هم به طرف حرم مقدس می رفتیم. بحث ما نزدیک بست بالا به تفسیر این آیهی شریفه " کلما تصحبت جلودهم بدلائهم جلودا" غیرها رسید و من تفسیری از استادان امام نقل کردم و شامی گفتند که من به شما گفتیم: پروا ندارید که با استادان خدمت حضرت نام الحاح علیه السلام اهانت می نمایند. ۳- یادتان هست که به من گفتند: در اوائل حیلست در وجود خدا و فیرا! نام مبانی دین برایم یک عارض شد که به خانه گفتم طرف - های مرا آب بکشید و سپس نزد جناب آقای حاج شیخ حبیبی فریونی رهنم و نصحه رانه اسنان گفتم و او کفتم عمه مخور این یک مقدمه ی وارد شدن در تحقیق است. تا ندکر این سه فقره. احتمال نمی دهم فعلا! هم در اسنانه باشد و می جهت مسلمانی را. کافر معرفی می کنند و با آگاهان را به خویشی و وارد کردن جرح و ضرب خلاف سوع بر کسانی که جان و مال و ناموسان در اسلام بخترنم است و ادار می کنند و فیرا! نزد خدا مسئولید. لافلاف خوب بود از امام

اندیشند. برمی انگیزند حتی به گرایش به راه و مکتب آنها کمک می نماید چنانکه در یک سال و اندی گذشته ملاحظه شد پس از آن که خدمت امام رسیدیم و گفتگوهایی انجام گرفت. و برخاستم و هنگام خداحافظی به ایشان عرض کردم: هر جا دیدم قدم قدم الله است. بر می دارم و اگر قدم به راه نفس شد عقب می کشم. بدان خدا می داند بدین وظیفه و عهد پای بندم و خدا می داند که هیچگاه در عزم شکی در وجود سیدنا: تعالی و معارف اسلام نداشته و همیشه برهانی اندیشیدام در پایان نظر شما را به این آیهی کریمه جلب می نمایم " ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن" و نیز شما را به این حقیقت توجه می دهم که آنچه نسبت به بعضی از افرادی روی مصالح اجتماعی و برای جلوگیری از تجاوزات به حقوق اسلامی عمومی خدمت امام امت و امت عرضه داشته ام مستند است و مدارک را خدمت امام فرستادام و علاوه اگر نصصات بی جا را کنار می گذارید خود شما می دیدید که پشت همین رادیو و تلویزیون خود آنها آمدند و اقرار کردند و تاس را تاویل و به افساسی قسمت کردند که در باره دیگران هم که به زندان افتادند صادق است و نیز بعضی از مطالب دیگری را هم که ابراز داشته ام خود شما هم بعداً گواهایش را با کارها و فسادهایی از آنها دیدید. می باید ادعای پیدا کرده باشید. مشهد مقدس. علی تهرانی ۵۹/۳/۹

ما هم بگیرم بریم شهر سسی حوریم: ده ما در ۳۰ کیلومتری شهرستان سروان است. به اسم روزنابو: ۳ تا سردارم ۴ تا خواهر. پدر و مادرم هم که بپرند - نوی خانه افتادند. در این بولی که بدست می آورم روزی ۲۰ - ۱۰ تومانی را یک یک تاسی می خوریم و بقیدایش می فرستیم برای پدر و مادرم. برای اینکه زندگیون بگذرد و فرصتاً نوی بدن.

از وضع اهالی روستا و مشکلاتشان برایمان بگو. ۶۰ خانوار هستیم. کدفرسا تمام جوانهای این ۶۰ خانوار برای کار به شهر آمده اند. از یک طرف مقامهای بالا دستور می دهند که بروید به کشاورزی برسید. تا می توانید بکارید. بالای پشت امبایان می بکارید. اما. لازم است که ما پشت باسماهایان بکاریم. ما نمی توانیم همان زمینهای را که حلی هم حاصلخیز است و هر هکتارش کلی رزاعت می دهد بکاریم. زمینها همسطورها شده است. بگویند هم نداریم که

این خورنیزیها چرا؟ مگر به آن است که در زمان طاغوت دیدیم هر چه بیشتر خون ریخته شد. مبارزه اوج گرفت؟ مگر نه این است که این کارها حسن ترحم ملت را بر لده اینها که خود شما می گویند درست نمی

بهای ۸ ساعت کار ۱۱ تا ۱۳ ساعت کار می کنند اصلاً ساعت کاری وجود ندارد. از صبح رود تا غروب آنات ساعت کار آنهاست. به سینه هستند و نه از عیدی و مزایا و سود و نه از بارنسیگی و مرخصی های قانونی کار و نه از امکانات رفاهی و ایمی برخوردارند با زمانی که جان در بدن و فوت در بارو دارند. مظلومند و بکار گرفته می شوند. و به مجرد مشاهده آتار پیری مطرورند و دیگر حرداری ندارند. در یک کلام هیچ سهمی حتی از همان فواین به اصطلاح کارگری هم نمی برند.

بعد از غروب آفتاب به تعدادی از ساختمانهای نیمه تمام سر ردم و با این رجمکشان به گفتگو رستم این برادران ما را به گرمی بدبختند و بخشی از مسائل و مشکلاتشان را برامان بازگو کردند. که ما هم به عینه برامان نقل می کنیم (البته تا کمی اختصار) نه این امده که روزی رمن صاحبان اصلی خود یعنی رجمان و رجمکشان و در یک کلام " مستمعین را پیدا کن (ان الارض برشها عبادی المملحون).

بودند نوی اون شرکتی که ما کار می کردیم. به ما می گفتند. راهبیمانی برید. اینها عوامل خارجی هستند. اینها شتارو فریب می دهند. اما ما دیگر گوش نمی کردیم. شسی که انقلاب شد من تهران بودم. اما اون شب از خوشحالی تا صبح خوابیدم و خدا را شکر می کردم.

حالا هم می گیم. خدایا قسمت می دهیم به خون شهدای اون شهاها و اون بدبختهایی که در سلولها زندانی کشیدند. که این انقلاب ما رو حفظ کن تا وضع مملکت ما همه درست شه. الان ما سردرگم شده ام. هر گروهی از اسلام میگه. اما به همدگر حمله می کنند ما این وسط مانده ام تا وضعمان روشن شود. ما حکومتی می خواهیم که حکومت علی را پیاده کند. هرکدام به حق استمعین رسیدگی کرده. هرکدام که خواستند حکومت عدل علی را پیاده کنند ما دنبال آنها می روم.

راستی استون را نگفتید. اگر ممکن است. استون را بگید؟ - اسم من فرامر غاریان. ۲۱ سال دارم. خیلی مضمون خسته نباشید.

برادر. شما اهل کجا هستید و چند سال دارید؟ - ما اهل فوجاسیم. ۲۳ سال دارم و در این ۲۳ سال خیلی زجر کشیده ام. و سه تا خواهر هستیم ما پدر و مادرم. و الان ۳ تا برادر. ما هم آمده ام اینجا کار می کنم. ۱۰ - ۱۵ هکتار زمین داریم که چون سرمایه نداریم کنت نمی کنیم. آمده ام اینجا کارگری می کنم تا خرمان در بیاد.

در آمد و مخارجتون چقدر است؟ - روزی ۸۰ تومان می گیرم. روزی ۲۰ - ۲۵ تومان هم می خورم و بعضی خرجهای خرنی دیگر و بعضی را ماهانه می فرستم دهات برای پدر و مادر و خواهر



کارگران ساختمانی. یک عمر زحمت و محرومیت

ممكن است استون را بگویند؟ - اسم من یارعلی غریبی است - اسم من سعادت قلی غریبی است ۱۲ سالگی رهنم جوایی و ۵ - ۵ ساله بودم که اوادم شهرن برای کار. اگر بیرون نبود. ما کدانش را کدایی می کردیم و در خانه ما مردم می گفتیم. به ما نان بدهند. روزی ۸۰ نوی می گیرم. اما پدر و مادرم معاد هستند و خرمان زیاد است

شما کجا می خوابید؟ - تو همون ساختمانهایی که کار می کنیم. ما وجود این ۳۰ - ۴۰ تومان خرجمون منه. آدم که کار می کنه نمی تونه که تون بخوره. من از دولت انتظار دارم به ما وام بدهد تا ما هم برگردیم مردم می گفتم. حوم هم نداریم. برای حمام باید دو سه فرسج بریم دهات دیگر برای مرصی هم باید برویم شبروان که ۳۰ کیلومتری دهان است. با حادهی خرابی هم که داریم تا بنهار ۳۰ کیلومتر راه بیروم می میرد.

آیا شما بیمه هستید؟ - نه. بیمه چه ربطی به ما دارد! کسی که ما را بیمه نمی کند.

می نویسم با این هزار تومانی که آقا به ما داد. یک گاو حرم. یک تراکتور حورم. یک عیاد عمق برسم. مارهم خدا عمر بدهد به آقا که به فکر ما هست. عمری هم که ما داریم روی عمر امام بگذار. با استالله سه ما کفک بکند.

در ضمن صحبت گفتی که در تظاهرات هم شرکت می کردی. چرا و برای چی شرکت می کردی و چه خاطراتی داری؟ - اولش که ما از هیچ جا خبر نداشتیم. چون سواد درست و حسابی که نداشتیم. یعنی دوستیم که چرا مردم شلوغ می کنند. اول از دانشگاه شروع شد. ما می دیدیم سال ۶۰ تا ما هم برگردیم مردم می گفتم. ما هم رفته. گفتیم چه خبره؟ گفتند: اصل ایبه که انقلاب باید بشه. می گفتیم چرا؟ مردم می گفتند: این حکومت. جهان پهلوان تختی را کشته. اینها آقای دکتر مصدق را کشند. اینها جوان ها را کشند. کلسرچی را کشند پسر آقا رو کشند. مهدی رضایی را کشتن. ما هم می خواهیم که سرکون شود.

ما هم در سال ۵۷ بود که رفتم تو راهبیمانیها. یک عده ای



# آیا تحریم المپیک موضوعگیری انقلابی است

برای موضعگیری در مقابل مسئله المپیک باید به چند مسئله توجه داشت. اول اینکه هر واقعه و رویداد سیاسی و متقابلاً آن موضع گیریهای مختلف کشورها، زمینهی بسیار مناسبی برای شناخت ماهیتها، قطببندیها، و... می باشد. از دیدگاه انقلابی در هر مقطع زمانی اساساً یک تضاد اصلی (دشمن اصلی) وجود دارد که در این زمان امپریالیسم جهانی، به سردمداری آمریکا می باشد. در نتیجه ماهیت ادعاها و شعارهای کلیه کشورهای نیروها در رابطه با دشمن اصلی، به محک آزمایش گذاشته می شود که باید با دقتاً "سخت" ضد امپریالیستی داشته باشد، یا به نفع و در جهت امپریالیسم گام بردارد و موضع بینابینی پایدار نبوده و بالا "به یک سو متمایل خواهد شد.

دوم - دقت و توجه به چهره ریایی و فریبکارانه امپریالیسم امپریالیسم مگر آمریکا، بعد از شکستهای متوالی از خلقهای جهان به اتخاذ سیاست حقوق بشری روی آورد تا شاید در پس این پردهی تزویر، بتواند همان سیاستهای غارتگرانه استعماری خود را تعقیب نماید. تحریم المپیک به عنوان "اعتراض به تجاوز نظامی شوروی به افغانستان" و دفاع از حقوق مردم این کشور از همین قبیل اقدامات ریاکارانه است که آمریکا و محافل وابسته امپریالیستی با جارو جنجال فراوان آنرا دامن می زنند. البته تأمین آزادی و استقلال مردم افغانستان و عدم دخالت بیگانگان از مسائلی است که ما بارها بر آن تأکید کرده ایم. و به همین دلیل ضرورت خروج هرچه سریع تر نیروهای شوروی از افغانستان را هواره متذکر شده ایم. بخصوص که حضور این نیروها در افغانستان، بهترین دستاویز برای رشد گرایش ارتجاعی و بهرمدرداریهای امپریالیستی را در منطقه فراهم می سازد. به اعتقاد ما طرافت مسئله در این جا است که باید با شناخت دقیق دشمن اصلی و درک شیوه های نوین عوامفریبی هایش در هر زمان بر سر هر مسئله مشخص بتوانیم مواضع انقلابی اتخاذ کرده و هوشیار باشیم که مرزهای قاطعمان با مواضع امپریالیستی و وابستگاریانهای که انهم بالا "به نفع امپریالیسم خواهد بود، مخدوش نشود.

تحریم المپیک، وی شرکت این ورزشکاران در المپیک تابستانی ایالات متحده درخواست کرد که با بازبهای المپیک تابستانی مسکو را تحریم کند و با اینکه محل برگزاری این بازیها را به شهر دیگری منتقل سازد، مگر آنکه واحدهای نظامی شوروی طرف یکماه خاک افغانستان را تخلیه کند. کارتر تحریم المپیک مسکو را وسیله ای برای تأکید نگرانیهای ایالات متحده از این رویدادها (دخالت شوروی در افغانستان) ذکر کرد.

آشوتسیدیرس (۱۰/۲۲)، مهلت رئیس جمهوری آمریکا به شوروی برای عقب کشیدن سربازهای افغانستان، پایان یافته است. در نتیجه بازیهای المپیک مسکو بدون شرکت آمریکا برگزار می شود.

خبرگزاری فرانسه (۱۰/۱۶) عربستان سعودی درصدد است به خاطر تجاوز شوروی به افغانستان، بازیهای المپیک تابستان مسکو را تحریم کند.

آشوتسیدیرس (۱۱/۱) نخست وزیر ژاپن گفت، با درخواست کارتر برای تحریم بازیهای المپیک ۱۹۸۰، در صورتی که محل آن از مسکو به جای دیگر منتقل شود، موافق است.

رویتر (۳/۴)، کمیته المپیک ژاپن روز گذشته، تصمیم گرفت در بازیهای المپیک مسکو، تنبی از ژاپن شرکت نکند. دولت ژاپن به علت مداخله نظامی شوروی در افغانستان خواستار تحریم بازیهای المپیک مسکو شده بود.

آشوتسیدیرس (۱۰/۲۷) "مارگارت تاچر" نخست وزیر انگلیس روز پنجشنبه از انتقال بازیهای المپیک ۱۹۸۰ از مسکو به یک کشور دیگر، جانبداری کرد. تاچر گفت: ما نمی توانیم خود را کنار کشیده و تنها ناظر اقدامات روسها در خاک افغانستان باشیم و دست به هیچ اقدامی نزنیم.

رویتر (۱۲/۳)، تاچر، در گفتگوی شدیداللحنی، از ورزشکاران انگلیسی خواست تا در المپیک مسکو شرکت نکنند، وی شرکت این ورزشکاران در المپیک تابستانی ایالات متحده درخواست کرد که با بازبهای المپیک تابستانی مسکو را تحریم کند و با اینکه محل برگزاری این بازیها را به شهر دیگری منتقل سازد، مگر آنکه واحدهای نظامی شوروی طرف یکماه خاک افغانستان را تخلیه کند. کارتر تحریم المپیک مسکو را وسیله ای برای تأکید نگرانیهای ایالات متحده از این رویدادها (دخالت شوروی در افغانستان) ذکر کرد.

آشوتسیدیرس (۱۰/۲۲) مهلت رئیس جمهوری آمریکا به شوروی برای عقب کشیدن سربازهای افغانستان، پایان یافته است. در نتیجه بازیهای المپیک مسکو بدون شرکت آمریکا برگزار می شود.

خبرگزاری فرانسه (۱۰/۱۶) عربستان سعودی درصدد است به خاطر تجاوز شوروی به افغانستان، بازیهای المپیک تابستان مسکو را تحریم کند.

آشوتسیدیرس (۱۱/۱) نخست وزیر ژاپن گفت، با درخواست کارتر برای تحریم بازیهای المپیک ۱۹۸۰، در صورتی که محل آن از مسکو به جای دیگر منتقل شود، موافق است.

رویتر (۳/۴)، کمیته المپیک ژاپن روز گذشته، تصمیم گرفت در بازیهای المپیک مسکو، تنبی از ژاپن شرکت نکند. دولت ژاپن به علت مداخله نظامی شوروی در افغانستان خواستار تحریم بازیهای المپیک مسکو شده بود.

آشوتسیدیرس (۱۰/۲۷) "مارگارت تاچر" نخست وزیر انگلیس روز پنجشنبه از انتقال بازیهای المپیک ۱۹۸۰ از مسکو به یک کشور دیگر، جانبداری کرد. تاچر گفت: ما نمی توانیم خود را کنار کشیده و تنها ناظر اقدامات روسها در خاک افغانستان باشیم و دست به هیچ اقدامی نزنیم.

رویتر (۱۲/۳)، تاچر، در گفتگوی شدیداللحنی، از ورزشکاران انگلیسی خواست تا در المپیک مسکو شرکت نکنند، وی شرکت این ورزشکاران در المپیک تابستانی ایالات متحده درخواست کرد که با بازبهای المپیک تابستانی مسکو را تحریم کند و با اینکه محل برگزاری این بازیها را به شهر دیگری منتقل سازد، مگر آنکه واحدهای نظامی شوروی طرف یکماه خاک افغانستان را تخلیه کند. کارتر تحریم المپیک مسکو را وسیله ای برای تأکید نگرانیهای ایالات متحده از این رویدادها (دخالت شوروی در افغانستان) ذکر کرد.

## در شهرستانها چه می گذرد...؟

به دنبال حملات ترسناک حیدریه عدهای مهاجم در شهر راه افتاده و با ایجاد محیط رعب و وحشت به خانوادههای طرفدار مجاهدین خلق حمله نموده و ضمن محروم و مصروب نمودن آنها در بعضی موارد وسایل زندگی آنها را نیز غارت کردند. مهاجمین از خدا بی خبر وقاحت را به آثار رسانند که در روز جمعه ۵۹/۳/۹ کلیه زخمی ها و محرومین را علیرغم ساری که به اسراحت و درمان، داشتند از طریق فشارهای مستقیم و غیرمستقیم از بیمارستان خارج کردند. همچنین در تاریخ ۵۹/۳/۱۰ حدوداً ۱۰ خانمی یکی از هواداران به نام آذری هجوم برده و نام زندگی او را بهم ریختند. تمام کسانی که به حرم خانگی آنها حمله شده بود طی اعتراضات و اعلام جرمهایی به مقامات مسئول خواهان رسیدگی فوری به وضع متشنج شهر شدند.

به دنبال حملهی اوپاشی تحرک شده به انجمن جوانان مسلمان تربت حیدریه، اعلامیه ای از طرف این انجمن انتشار یافته است. در این اعلامیه، با استناد به سخن گرانقدر پیامبر: "آن-کس که بشنود فریادی را که مسلمین را به باری می طلبد و او را پاسخ نگوید مسلمان نیست". حرمیان حمله به این انجمن و ضرب و شتم برادران و خواهران و ویران نمودن سقف و شکستن دربها، و همچنین قصد آتش زدن یکی

## مراسم تشییع جنازه می مجاهد شهید احد عزیزی



مراسم با تلاوت آیاتی از قرآن مجید شروع و پس از آن تندگامه ای مجاهد سپید و اعلامیه سازمان و پیام حسن مسلمانان گرمی قرائت گردید. و در پایان یکی از برادران مجاهد در رابطه با حملات و تهاجماتی که در این روز به هواداران سازمان می-شود، سخنرانی نمود. پیام های گوناگونی نیز از طرف انجمنها و گروههای مختلف بود که به علت کمی وقت از خواندن متن آن خودداری گردید. به دنبال آن حدود ساعت ۴ بعد از ظهر با اعلام حرکت به سمت انجمن برای افتتاح مجدد، جمعیت با دادن شعارهای مستحکم حرکت کردند. در آنجا عکسهای پاره شده بدر - طالعی و شهدا را به عنوان سند به معرض نمایش گذاشتند. در پی آن احد پاسدار با حمله به انجمن عکس

شهردار باره کرده و هواداران را ارتجاعی بیرون می کشد ولی پس از تماس با سیه آخا را ترک می گوید. ساعت ۳ دوباره بازگشته و ساختمان انجمن را با حکم دادستانی مهروموم می کشد! در ضمن در تاریخ ۳/۷ ۸۰ حواجر و ۱۴ برادر دستگیر شده طی اعلامیه های جداگانه ای به مقامات در اعتراض به دستگیری غیرقانونی خود دست به اعتصاب زدند. در تاریخ ۳/۱۰ به دنبال عدم رسیدگی به اعتراضات در اعتصاب غذای خشک به سر می برند. رنجهای بیمارستان نیز ۱۱ نفرند که با عدم آجاری ملاقات پاسداران مواجه شده اند و ۲ تن آنان را نیز بدون محور قانونی برای تاراجوی از بیمارستان می برند. هنگام بردن آنان زخمی های دیگر تعارضات

## هشدار مجاهدین خلق ایران شاخه های مازندران

بسم خدا  
بسم خلق قهرمان ایران

در جریان وقایع صبح جمعه ۵۹/۳/۹ که عدهای مهاجم به کتابفروشی های هوادار مجاهدین خلق در بابل سر حمله کردند، تعدادی از برادران ما دستگیر شده و به سپاه پاسداران منتقل گردیدند. ما برای حل فوری مسئله و جلوگیری از هرگونه توطئه دیگری، بعد از تماس با دادستان انقلاب، دو تن از نمایندگان خود را با معرفی نامه نزد ایشان فرستادیم. اما از هنگامی که برادران ما برای ملاقات به محل سپاه رفتند، تاکنون بازنگشته اند. در تماس تلفنی با آقای دادستان ایشان اظهار داشتند که نمایندگان سازمان بعد از ۴۵ دقیقه ملاقات از اطاق من خارج شدند.

ولی در تماس های مکرری که با مسئولین سپاه گرفتیم، اطلاعات دقیقی در اختیار ما قرار نگرفت. ولی طبق شواهد موجود آنها بعد از ملاقات با آقای دادستان توسط آقای هادی غفاری دستگیر و به نقطه ای نامعلوم منتقل شده اند. ما ضمن اظهار نگرانی نسبت به سرنوشت برادرانمان گتیا "موضوع را به اطلاع دادستانی انقلاب اسلامی مازندران و معاون استاندار و دیگر مقامات مسئول رسانده و تقاضای رسیدگی فوری این مسئله را کردیم. ما بار دیگر نگرانی خود را نسبت به سرنوشت برادرانمان به اطلاع عموم مردم گتیا و انقلابی می رسانیم و از مقامات مسئول می خواهیم تا مسئله را پیگیری نموده و هرچه زودتر وسیله آزادی آنها را فراهم نمایند.

مستحکم باد پیوند ضد امپریالیستی تمام خلق مجاهدین خلق ایران - شاخه های مازندران ۵۹/۳/۱۰

شاهین شهر (اصفهان):  
شاهیندز:  
شاهیندز سپاه پاسداران  
شاهیندز به دادستان  
انقلاب می آید و آب  
روابط عمومی سپاه پاسداران شاهیندز، طی نامه ای خطاب به دادستان مآذآب، با طرح این مسئله که چرا انقلاب شد، نوشته اند. ... وقتی در جامعه ای در طبقات اجتماعی، اجحاف، حق کشی، زورگوئی، احتیاق و بطور کلی نداشتن آزادی، باعث انقلاب و دگرگونی می شود. آنها پرسیده اند آقای دادستان اگر معنی انقلاب دگرگونی است پس ساید طغفها از دگرگون نبود؟ ... مگر انقلاب های - گرین کردن طغفهی نوحیدی به های طغفهی سرمایه دار و فتودالنه است؟

سپس سپاه شاهیندز در این نامه، به شرح استصاف، ظلم و جوری که فتودالها و نزول خورها علیه مردم زحمتکش شاهیندز روا داشته اند پرداخته و از ثروتها و حیثیت ملهای چند فتودال و نزول حوار برده برداشته اند. آنها پرسیده اند چرا باید یک روز اموال آنها توقیف و روز دیگر اموالشان رفع توقیف شود آنها در پایان گفته اند "... مردم بدانید تقریباً بیست روز پیش دادستان مآذآب نامه ای به برادران پاسدار شاهیندز نوشته و خواستار رفع توقیف اموال احمدخان افتار که به وسیله ساید توقیف شده بود، می شود و در جواب برادران پاسدار ما می گویند، ما هیچوقت نمی توانیم چنین حیثیتی در جامعه انجام دهیم. این نامه با تعارضات به امید برپا نمودن ایران نو براساس جامعه ای سی طغفهی نوحیدی ... ناپود باد امپریالیسم جهانی حوار و طرفدارانش - به پایان رسیده است.

اللاکرو... می دادند. با وجود کمبود بزرگ در شهر سپاه از انتقال محرومین به شهرهای دیگر جلوگیری می کند. ۶ تن دیگر از محرومین در اوراس از تاریخ ۳/۹ طی اعلامیه هایی در اعتراض به دستگیری های غیرقانونی و آزار و اذیت هادست به اعتصاب غذای خشک رده اند که حال برخی از آنان وحیم است. مدیر بیمارستان و تعدادی از برکنان نیز طی تماس با مقامات مسئول خواستار رسیدگی به وضع آنان شده اند. در ضمن یکی از محرومین به نام حجت ابراهیمی که بر اثر صرمه ای سنگ به احتمال زیاد سنایی خود را از دست داده، برای معالجه عد از تلاش زیاد با هوایما از تبریز به تهران منتقل شده و در بیمارستان فارابی بستری گردیده است.

از علاقه مندان نظامی خود که گنگهای مانی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره ۱۳۰۰ بانک صادرات شعبه ۳۵۲ واقع در خیابان شیراز و آریز نشانی، و حواله های را به صندوق پستی تهران ۱۶ شماره ۴۱۱۵۵ ارسال دارند.

روزنامه "مجاهد" نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۴۱/۱۵۵۱